



مقاله

## عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان متأهل ایران زمین:

# نیم‌نگاهی به پژوهشی علمی

پرهیز پیران  
بخش ششم

دگری، بسازد. در نهایت با وجود قابل‌تعمیم بودن یافته‌های پیمایش اجتماعی انجام شده، نگارنده بارها تأکید کرده که فعلاً از تعمیم می‌پرهیزد.

### پژوهش کیفی

بیشتر نیز اشاره شده که از حدود سه دهه پیش در کنار فنون گردآوری اطلاعات کمی، پژوهش‌های پیمایش یا تحقیق متکسی به پرسشنامه، انجام پژوهش‌های کیفی نیز بساب شده است. پژوهش‌های کیفی، برعکس پژوهش‌های کمی که معمولاً تعداد نسبتاً بزرگی (مانند تحقیق زنان حتی چندین هزار نفر) را مورد بررسی قرار می‌دهند و به دنبال استفاده از منطق آماری هستند، به چند نفر و حداکثر چند نفر بستند می‌نمایند تا موضوع محدودی را عمیقاً بررسی کنند و در بند تعمیم و منطق آمار در علوم اجتماعی نیز نیستند و ماهیت بررسی‌ها هم چنین اجزای رانمی‌دهد. ورود به جزئیات روش‌شناسی و اشاره به دقایق علمی کار در رساله حاضر مناسب نیست. تنها به چند نکته کلی اشاره می‌شود تا امکان دنبال کردن بحث برای خوانندگان عزیز و فرهیخته فراهم شود. پژوهش‌های کیفی بابه کاربردن مجموعه‌ای از فنون گردآوری اطلاعات به سرانجام خود می‌رسند. به بیان دیگر پژوهش کیفی در قالب مشاهده حال چه مشاهده آزاد یا دورادور یا مشاهده از طریق عضویت و مشارکت، مصاحبه عمیق، گفت‌وگو و شنود متمرکز گروهی، فنون برون‌افکن که بیشتر آنها فنون روانشناختی‌اند، فنون بدون مزاحمت و مانند اینها به پیش می‌رود، برای نمونه وقتی از مشاهده آزاد یا دورادور سخن به میان می‌آید، محقق به توصیف مشاهدات خود در برگیرنده ثبت مشاهدات می‌پردازد، یعنی آنچه را می‌بیند بیان می‌دارد. در مشاهده همراه مشارکت یا حتی عضویت، محقق می‌کوشد تا کاملاً خود را در جایگاه عضوی از اعضای گروه مورد تحقیق قرار دهد و از موضع یک عضو رفتار نماید و سپس به ثبت رفتار خود و دیگران مبادرت کند. در پژوهش زنان،

نگارنده تقریباً در تمامی نوشته‌های خود به آن اشاره کرده است. این حقیقت است که: ایران سرزمین تضادها، تناقض‌ها، خواسته‌های دائماً تکرار شونده و قول و قرارهای تحقق نیافته است که زاده پیچیدگی مفرط جامعه و مردمان ایرانی از گذشته‌های دور به‌شمار می‌رود. کافی است تا اشاره شود که حتی آن اقلیت محدودی از زنان که همواره در معرض آزار جسمی و روحی از سوی شوهران خود قرار دارند نیز تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری غیرمستقیم را در بخش مهمی از ابعاد و حیطه‌های زندگی خود تجربه می‌کنند. از این رو عنوان پژوهش انجام شده «دو چهره زن ایرانی» انتخاب شده است، زیرا عدم توجه به هر یک از این دو چهره به برداشت‌های ناروا و نسخه‌پیچی‌های مضحک می‌انجامد. نکته مهم دیگر آن است که در صدی از زنان گرفتار ایرانی کم‌کم تصویر یک‌سویه مطرح در اذهان و در منابع و متون را باور کرده، با تنوع رفتارهای خود به تثبیت آن یاری می‌رسانند. سرانجام یافته مهم دیگر آن است که انسان این موجودی که «عالم اکبر در او پیچیده شده است»، حال چه زن و چه مرد، موجودی پویاست. او برده شرایط خود نبوده، نیست و نخواهد بود. از این رو در چارچوب ارزیابی خود و با توجه به توان و محدودیت‌های خود به شرایط خویش فعالانه واکنش نشان می‌دهد و می‌کوشد تا از همین خاک جهان

**ایران سرزمین تضادها، تناقض‌ها، خواسته‌های دائماً تکرار شونده و قول و قرارهای تحقق نیافته است که زاده پیچیدگی مفرط جامعه و مردمان ایرانی از گذشته‌های دور به‌شمار می‌رود**

### چند نکته در جمع‌بندی بخش کمی تحقیق

در بخش پیشین، از پژوهش کمی انجام شده‌ای یاد شد که طی آن نمونه‌ای قابل‌تعمیم به کل زنان متأهل ایران زمین با حجمی برابر با ۴۵۰۰ واحد یا ۴۵۰۰ زن متأهل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. چنین پژوهشی که بر منطق آمار در علوم اجتماعی استوار است را پیمایش اجتماعی نام داده‌اند. تأکید اصلی پیمایش اجتماعی یاد شده عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان متأهل ایرانی است. یافته یا نتیجه مهم آن تحقیق نشان می‌دهد که برعکس تصویری که از زنان ایرانی در عرصه عمومی و در منابع و متون ارائه می‌شود، در مجموع با درایت و براساس ساز و کارهای کاملاً اندیشیده و نهادینه شده و از طریق ابزار دفاعی آشکار و نهان، عرصه‌های تصمیم‌گیری خود (تصمیم‌گیری مستقیم) و چه غیرمستقیم (تصمیم‌سازی برای تصمیم‌گیری مرد در ظاهر) را گسترش چشمگیر داده است. به بیان دیگر بر پایه شاخص‌هایی که برای تصمیم‌گیری در پژوهش مورد اشاره تعریف شده بودند، اکثریت افراد نمونه قابل‌تعمیم یا اکثریت تصمیم‌گیری‌ها را مستقیماً خود اتخاذ می‌کردند و یا شوهر را از طریق بیش از ۴۰۰ تا کتیک یا ساز و کار که در هشت گروه طبقه‌بندی شده‌اند، چنان هدایت می‌نمودند که نهایتاً شوهر به تصمیمی می‌رسید و آن را اتخاذ می‌کرد که زن تمایل داشت. البته این یافته کلی و مهم در میان گروه‌های کم‌سواد، برخی از اقوام، خانواده‌هایی که از دواج دوم در آنها محتمل است و در برخی از خانواده‌هایی با ویژگی‌های خاص و استثنایی تعدیل می‌شود. نکته بعدی آن که چنین یافته‌ای هرگز نباید مورد سوءاستفاده قرار گیرد و چنین تصور شود که حقوق زنان متأهل ایرانی با اعمال نمی‌گردد و مورد آزار جسمی و روحی قرار نمی‌گیرد. تنها نکته بسیار مهمی که یافته‌های تحقیق پیمایشی بر آن مهر تأیید نهاده است و به حقیقتی پایدار بازمی‌گردد که

ایران اسفند ۸۷ و فروردین ۱۳۸۸

از میان فنون گردآوری اطلاعات پژوهش‌های کیفی، دو فن مصاحبه عمیق و گفت‌وگو متعمق‌تر گروهی مورد استفاده قرار گرفته است.

مصاحبه عمیق همان گونه که از نامش پیداست، طرح مجموعه نسبتاً وسیعی از پرسش‌های دقیق است که تمامی ابعاد و زوایای آشکار و پنهان موضوع مورد بررسی را می‌کاود. در بررسی زنان با چهل زن متأهل مصاحبه عمیقی به عمل آمده است. مصاحبه‌های عمیق به عمل آمده از ترکیب دو شیوه سودجسته است. بر اساس شیوه متداول، یعنی در نظر گرفتن تعدادی پرسش مهم مربوط به موضوع تحقیق، یعنی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، آن پرسش‌ها به بحث گذاشته شده و واکنش پاسخگو یا مصاحبه‌شونده ثبت شده است. پس از اتمام این مرحله، محقق از شیوه دوم که نگارنده بر اساس ماهیت آن معادل حرف‌های می‌آورد را برای آن برگزیده و در انگلیسی به آن Snowballing می‌گویند، پرسشی را مطرح و از پاسخ پاسخگو پرسش‌های بیشتری را فی‌البداهه به کف آورده و طرح می‌نماید. این کار تا به آنجا ادامه می‌یابد که پاسخ‌جو یا مصاحبه‌کننده دیگر به راحتی قادر به طرح پرسش نیست که خود نشان دهنده پایان مصاحبه عمیق است.

گفت‌وگو متعمق‌تر گروهی نیز کاملاً شبیه مصاحبه عمیق عملی می‌شود و در آن همان دو شیوه پیشین به کار می‌رود، ولی تفاوت آن است که به جای یک نفر پاسخگو، گروهی که معمولاً بین ۷ تا ۱۲ نفرند به گفت‌وگو نشسته و گفت‌وگوی آنان حول محور خاصی، یعنی همان موضوع تحقیق متمرکز است. در پژوهش زنان، ۷۵ زن متأهل با ویژگی‌های متنوع که میناتورهای از زنان متأهل کشور است در گروه مجزایه گفت‌وگو متعمق‌تر متمرکز پرداخته‌اند. نکته جالب آن است که پس از پایان تحقیق کتبی یا همان پیمایش اجتماعی که مورد بحث قرار گرفته است، دانشجویان دختر شرکت‌کننده در تحقیق که واقفاً کاری کارستان کرده‌اند، بارها و بارها به معلم خود مراجعه و تأکید می‌کردند که در طول انجام تحقیق از علاقه‌مندی زنان متأهل پاسخگو و صداقت آنان در پاسخ به پرسش‌ها شگفت‌زده شده‌اند. گزارش چنین موضوع مهمی به ناگهان در ذهن نگارنده این جرقه رازد که چرا ابعاد کمتر مطالعه‌شده زندگی زنان پرداخته نشود؟ چرا از زندگی زنان سویی و فراز و فرودهای آن پرسشی مطرح نشود؟ به راستی شناخت مردان ایران زمین از موجودی به نام زن تا چه میزان است؟ به راستی کلیشه‌های رایج آنهم عمده ساخته مردان تا چه حد در مورد زنان درست است؟ دغدغه‌های واقعی زنان امروزی این مرزوبوم کدام است؟ الگوی زندگی مناسب در ذهن زنان چه الگویی است؟ اکثریت زنان متأهل شوهران خود را

چگونه می‌نگرند؟ بسا او چند صدق‌اند؟ آیا نقش بازی می‌کنند؟ اگر بلی برای چه و چرا؟ بر پایه چنان توفان ذهنی در گرفته تصمیم گرفته شد که پژوهش کیفی ضمن بررسی عمقی موضوع اصلی پژوهش زنان، یعنی عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان متأهل ایران زمین، در عین حال کوشش نماید تا به سپهر زندگی زن ایرانی، آن هم از زوایای کمتر مورد بررسی قرار گرفته ره گشوده، گامی چند در جهت شناخت زن ایرانی، مرد ایرانی از دید زنان، زندگی زناشویی، نظرگاه‌های زنان در باب زندگی مشترک با مرد ایرانی و سرانجام موضوعاتی که درست یا نادرست تابو تلقی شده‌اند، برداشته شود. بدیهی است پژوهش علمی که طبعاً خالی از حب و

**انسان این موجودی که «عالم  
اکبر در او پیچیده شده  
است»، حال چه زن و چه مرد،  
موجودی پویاست. او برده  
شرایط خود نبوده، نیست و  
نخواهد بود**

بغض‌های متداول این زمانه پر شر و بی‌شور است، از هر نظر مورد نیاز بوده، توجه پذیر است. تحولات اساسی در سن از دواج، تأخیر جدی در این امر، نیازهای مادی روبه‌رشد که در دسترس درصد قابل توجهی نیست، مشکلات اداره زندگی مشترک از یک سو و عدم دگرگون‌شدن ایستارها از سوی دیگر شرایطی سخت آنومیک (اغتشاش ارزش‌ها) پدید آورده است که تحولات و دگرگونی‌های بنیادینی را طلب می‌کند.

پیش از معرفی یافته‌های تحقیق اجازه دهید به معرفی زنان متأهل شرکت‌کننده در پژوهش کیفی مبادرت کرده، ویژگی‌های آنان به شکلی گذرا مورد بحث قرار گیرند تا زمینه درک بهتر یافته‌ها فراهم شود. باز هم تأکید می‌شود که یافته‌های پژوهش کیفی کاملاً برعکس پژوهش کمی در مورد ۴۵۰۰ زن متأهل ایران زمین، در چارچوب منطق تجربه‌گرایی قابل تعمیم نمی‌باشد و تنها در مورد شرکت‌کنندگان در تحقیق کیفی صادق است. البته باید توجه داشت که در سه دهه اخیر چه در چارچوب بحث‌های فرامروزی (پست مدرن) و چه در دیگر نظرگاه‌ها، تجربه‌گرایی به‌طور خاص و نگاه اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) به‌طور عام با توجه به نقدهای کوبنده‌ای که از زوایای مختلف ارائه شده است، موضوعیت چندانی ندارد. به همین دلیل نگاه به پژوهش بویژه پژوهش اجتماعی و به تبع آنها،

نگاه به فنون کیفی و یافته‌های حاصل از به کارگیری چنین فن‌هایی از بنیاد دگرگون شده است و بر پایه آنها نظریه‌سازی تخمین‌بر نظر به دیگر مباحث کاملاً مجاز شناخته می‌شود و بحث قدیمی رد و اثبات نظریه و فرضیه دیگر مانند گذشته نیست. چنین بحث‌هایی از حوصله مقاله حاضر خارج است و تنها برای تکمیل بحث اشارات بالا مطرح شدند. فراتر از بحث‌های بالا کوشش شده تا گزینش زنان متأهل برای شرکت در گفت‌وگوی عمیق و گفت‌وگو متعمق‌تر گروهی با ویژگی‌های کلی جامعه شباهت‌هایی داشته باشد.

به هر روی اکثریت زنان متأهل شرکت‌کننده در گفت‌وگوی عمیق، یعنی ۷۵ نفر از ۴۰ نفر یا بیش از نیمی از آنان ۲۰ تا ۳۹ سال سن داشته‌اند. در میان گروه یادشده از روستا (۷ نفر) از شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ و تهران نمایندگانی وجود داشته‌اند که تنها ۱۵ مصاحبه‌شده تهرانی بوده‌اند. تحصیلات پایین (بی‌سواد یا پایان دوره ابتدایی) متوسط (تادیلیم) و بالا (کارشناسی تا دکترا) در میان مصاحبه‌شوندگان حضور داشته‌اند. شغل آنان نیز شبیه طبقه‌بندی شغلی زنان جامعه بوده است، به این شکل که ۱۷ نفر خانه‌دار و بقیه شاغل بوده‌اند. در میان شاغلان نیز امور فرهنگی و درمانی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بودند. طبقه اجتماعی نیز با شرایط جامعه همخوانی نسبی داشته است. پس از مشخص‌سازی ویژگی‌های شناسایی مصاحبه‌کنندگان مسئله تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مطرح شده است. جالب آن که بدون توجه به ویژگی فردی، تمامی شرکت‌کنندگان معتقد بوده‌اند که قدرت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری زنان به مراتب بیش از آن چیزی است که در برداشت عمومی و در منابع و متون منعکس شده است. نکته درخور توجه آن که ۹ نفر از ۴۰ نفر تأکید داشته‌اند که زنان بر نظرگاه عمومی در مورد میزان دخالت آنان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اهمیت نمی‌دهند. در عین حال ۳۸ نفر از ۴۰ نفر معتقدند که مردان نزد عموم مردم مایلند تصمیم‌گیر مطلق تلقی شوند. این تمایل در شرایطی است که در عرصه خصوصی آگاهانه تصمیم‌گیری زنان خود را ترجیح می‌دهند. این تمایل با کاهش تحصیلات، با محدود شدن نظرگاه شخص و با افزایش شخصیت استبدادی کاهش می‌یابد و در آن صورت تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری غیرمستقیم با هدایت شوهر افزایش نشان می‌دهد. ده نفر از مصاحبه‌شوندگان معتقد بوده‌اند که در مجموع آزار جسمی زنان از سوی شوهران کاهش یافته است. در مقابل ۲۵ نفر با تحصیلات نسبتاً بالاتر اعتقاد داشتند که آزار جسمانی زنان ناشی از رفتار شوهران نزد خانواده‌های طبقات متوسط و بالا و تحصیلکرده

به شدت کاهش یافته است، لیکن نزد خانواده‌های فقیر و کم‌سواد که در تلاش معاش سختی فراوانی را تحمل می‌کنند به شدت افزایش نشان می‌دهد و از نظر شدت نیز تشدید شده است. به همین دلیل به هنگام بحث درباره علت آزار جسمانی در مجموع و صرف‌نظر از شرایط خانواده‌ها، باز هم ۳۲ نفر از ۴۰ نفر خانم پاسخگو علت آزار جسمی زنان توسط شوهران را عوامل اقتصادی یا معیشتی عنوان کرده‌اند. جالب آن که ۳۳ نفر از ۴۰ نفر پاسخگو

مزاحمت از سوی مردان رابطه دارد. ۳۲ نفر از ۴۰ نفر معتقد بودند که تصویر ارائه شده از زن در شبکه‌های سیما، تصویری منفی است و تنها ۸ نفر چنین تصویری را مثبت تلقی کرده‌اند. در مورد اثر گذاشتن سیما روی رفتار و عقاید زنان، پاسخگویان تقریباً به دو گروه متضاد تقسیم شده بودند، یعنی ۲۱ نفر معتقد بودند که «سیما» اثر گذار است و ۱۹ نفر عکس آن را اعلام داشته‌اند. تقریباً تمامی پاسخگویان اعتقاد دارند که در صدی از زنان آرزو مندند مدرن به شمار



معتقد بوده‌اند که آگاهی زنان در مورد حقوق و شرایط خود بالقوه (به وازه بالقوه توجه کنید) احتمال آزار جسمانی زن را افزایش می‌دهد و این امر در طبقه پایین جامعه و با تحصیلات کمتر، مشهودتر است. دومین دلیل آزار جسمانی پس از فشار اقتصادی، بزرگ شدن مردان یا شوهران در دنیایی مردسالارانه عنوان شده است. ۳۵ نفر از ۴۰ نفر پاسخگو چه موافق باشند یا مخالف، معتقدند اکثریت زنان در طبقات کم درآمد و با تحصیلات کمتر، آزار جسمانی را معلول اشتباه‌های خود می‌دانند. البته این احساس با شدت کمتر در دیگر طبقات نیز وجود دارد. عجیب آن که سه نفر از پاسخگویان به شدت با گویه‌ای که معتقد است: «آزار جسمانی برای نظم در خانواده ضروری است» اعلام موافقت کرده‌اند. عجیب‌تر آن که تقریباً تمام پاسخگویان معتقد بوده‌اند (البته با شدت و ضعف) که در صدی از زنان وجود دارند که خود عمداً شوهران خود را برای آزار رساندن جسمانی تحریک می‌کنند تا سپس از آن بهره‌برداری کنند. ۳۸ نفر از ۴۰ نفر پاسخگویان معتقد بوده‌اند که زنان بر این باورند که آزار جسمانی شوهران را باید فراموش کرد. البته ۱۹ پاسخگو گفته‌اند که در صد کسانی که با فراموش کردن آزار جسمانی موافقت بالا نیست، ولی وجود دارد. ۳۲ نفر از ۴۰ نفر معتقدند که شیوه لباس پوشیدن زنان در فضای عمومی با احتمال

آیند. جالب آن که تمامی پاسخگویان، در صد زمانی که تمایل به امروزی شدن دارند را متوسط یا بالا ارزیابی کرده‌اند. توجه به این نکته نیز ضروری است که آگاهانه در مصاحبه عمیق و در گفت و شنود متمرکز گروهی نظر زنان شرکت کنند. در باب دیگر زنان پرسیده شده است، برای نمونه در مورد آرزوی مدرن شدن به گونه‌ای کلی پرسیده شده که به نظر شما چند درصد زنان ایران زمین به مدرن شدن تمایل دارند؟ «هیس همین تمایل در مورد تهران، شهرهای بزرگ، شهرهای متوسط، شهرهای کوچک و روستاها به صورت مجزا پرسیده شده و جالب آن که با افزایش اندازه مکان، درصد تمایل به مدرن شدن از نظر پاسخگویان افزایش یافته است. مدرن شدن را بیشتر زنان بر اساس ضوابط ظاهری مانند پوشش، آرایش و الگوی مصرف تعریف کرده‌اند. از نظر مذهبی تلقی کردن خود، پاسخگویان تقریباً به دو گروه مساوی (تلقی مذهبی بودن و بی‌اعتنا به مذهبی بودن) تقسیم می‌شده‌اند. ۲۵ پاسخگو شوهرانی با تحصیلات دیپلم یا بالاتر داشته‌اند. بیشتر شوهران پاسخگویان نیز در گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال بوده‌اند. تنها ۱۶ نفر از پاسخگویان ازدواج سستی داشته‌اند، یعنی از طریق خواستگاری و بدون شناخت قبلی ازدواج کرده‌اند. جالب توجه آن که به هنگام پرسش از زنان در مورد میزان مذهبی بودن شوهران، تمامی

پاسخگویان شوهران خود را کمتر از خود مذهبی معرفی کرده‌اند. ده نفر از زنان از زندگی ناراضی بوده‌اند و ۹ نفر خیلی راضی. رفتار و ویژگی‌های شوهر تنها برای ۴ نفر دلیل رضایت از زندگی بوده است. ۹ نفر اعتراف کرده‌اند که خود آنان تجربه آزار جسمانی داشته‌اند. (اهمیت این رقم بسیار بالاتر از تعداد عددی آن است) تمامی پاسخگویان معتقد بوده‌اند که به نوعی اجبار در رابطه زناشویی وجود دارد. در مورد این پرسش که چقدر شوهران به فکر زنان خود هستند؟ تنها ۵ پاسخگو اعتقاد به خیلی زیاد داشته‌اند و ۱۴ نفر شوهران را بی تفاوت و ۲۹ نفر شوهران را بی اعتنا معرفی کرده‌اند. ۲۹ نفر از ۴۰ نفر هرگز در رابطه زناشویی پیشقدم نشده‌اند. ۱۸ نفر از پاسخگویان ادعا کرده‌اند که هرگز با شوهر خود کاملاً صادق نبوده‌اند. ۳۹ نفر به پرسش آیا تحت هر شرایطی صادق هستید؟ منفی پاسخ داده‌اند. ۳۰ نفر از پاسخگویان در صد زنان صادق را کمتر از ۴۰ درصد کل زنان اعلام داشته‌اند و ده نفر در صد زنان صادق را بین ۱۰ تا ۲۵ درصد کل زنان اعلام کرده‌اند. ۷ نفر علت عدم صداقت را بهره‌برداری یا سوءاستفاده مرد از صداقت زنان و توجه آزار جسمانی (در صورت وقوع) بیان داشته‌اند و ۷ نفر علت را عدم درک شوهر از ارزش و اهمیت صداقت اعلام کرده‌اند. ۱۴ نفر طبقات بالا را ناصداق‌ترین و ۹ نفر طبقات پایین را ناصداق‌ترین گروه‌های اجتماعی دانسته‌اند. ۲۸ نفر از پاسخگویان خود را امروزین تلقی کرده‌اند. ۱۹ نفر از پاسخگویان معتقد بوده‌اند که ۵۰ درصد زنان اگر دوباره جوان می‌شدند با همسر خود ازدواج نمی‌کردند. در مورد آن که برای بهبود شرایط زنان چه باید کرد؟ ۱۲ نفر از پاسخگویان به برابری حقوقی اشاره کرده‌اند، ۱۳ نفر به استقلال اقتصادی، ۳ نفر به آگاه‌سازی، ۴ نفر به آموزش شوهران، ۳ نفر به ممنوع کردن دخالت خانواده شوهر و سرانجام ۵ نفر هم به توقف مغز شویی دختران توسط مادران آنان اشاره کرده‌اند.

با این حساب بخش عمده اطلاعات قابل ارائه در گفت و گوی عمیق مطرح شده‌اند. در شماره آینده اطلاعاتی از گفت و شنود متمرکز گروهی تقدیم خوانندگان عزیز خواهد شد و سپس به جمع‌بندی نهایی میادرت خواهد گردید. در اینجا تأکید می‌شود که کل تحقیق نشان‌دهنده ناآگاهی زن و مرد در باب زناشویی و زندگی مشترک است. هر دو گروه با پیش فرض‌های نادرستی به زندگی مشترک می‌اندریشند و همین پیش فرض‌های نادرست عامل اختلاف‌های جدی در زندگی مشترک به شمار می‌آید. تنها در این مرحله باید تأکید کرد که راهی بس دراز تا شرایط زندگی زناشویی قابل قبول وجود دارد.